



عفاف در رفتار

فاطمه فرهادیان^۱

چکیده

موضوع مورد بحث، عفاف در رفتار در حیطه‌ی حجاب و پوشش است. عفت، به معنی پارسایی و آن حالت نفسانی است که انسان را از غلبه‌ی شهوت بازدارد. قرآن به چند رفتار عقیفانه، از جمله رعایت عفت در گفتار، نگاه، شهوت، پوشش، و عفت در کردار، به ویژه در زنان، اشاره می‌کند و تاکید می‌فرماید: صحبت کردن زنان با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و نازک کردن صدا باشد و از هرگونه سخنان غیر ضروری و بیهوده پرهیز کنند. در نگاه به نامحرم نیز زنان همانند مردان از چشم چرانی منع شده‌اند و باید از نگاه بد و هوس‌آلود چشم پوشی کنند؛ چراکه دیده به منزله‌ی دروازه‌ی دل است و اگر کنترل نشود در کشاندن آن به سمت گناه نقش زیادی دارد.

قرآن زنان را مکلف می‌کند، جاذبه‌ها و زینت‌های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آنچه نمایان است. آنها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام‌ها و زینت‌های پنهان آنها را مستور کند داشته باشند که موجب تهییج شهوت مردان نگردد و موجبات آزار و اذیت خود توسط افراد بیمار دل را فراهم نکنند. کردار و راه رفتن آنها نیز باید به دور از جلوه، خودنمایی و جلب توجه باشد. در نظام مقدس

اسلام، این امور کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است.

زنان با رعایت حجاب و عفاف و پوشش کامل و داشتن رفتاری به دور از خودآرایی و خود نمایی می توانند آرامش و آسایش و امنیت خود، خانواده و جامعه را به ارمغان بیاورند و از گسیختگی بنیان خانواده جلوگیری کنند و مانع بسیاری از فتنه‌ها که ریشه در عدم رعایت و حفظ حریم عفاف دارد، گردند.

واژه های کلیدی

عفت: آن حالت نفسانی است که باعث می شود تمام حرکات و رفتار انسان فاقد رذیلت‌های شهوانی باشد.

تخضعن: از ماده خضوع و در اینجا به معنی نازک و نرم سخن گفتن است .

یغضضن: از ماده غض و به معنی کاهش و کم کردن نگاه است .

یحفظن فروجهن: حفظ فرج و دامن از نگاه نامحرم است.

بیدین: از ابداء به معنی آشکار و ظاهر کردن است.

خمر: جمع خمار است؛ جامه و لباسی که سر و موی زن را می پوشاند.

جیوب: جمع جیب؛ به معنی گریبان و سینه است.

جلایب: جمع جلباب؛ لباس بلند و سرتاسری که تمام اندام و بدن زن را بپوشاند.

تبرج: به معنی ظاهر شدن در برابر مردم، به صورت خود نمایی است.

مقدمه

یکی از عوامل استحکام خانواده و اجتماع، ملکه‌ی نفسانی عفاف است که اگر در جان پرورنده شود به ثمر نشسته و حاصل آن مصونیت و در



نتیجه قرب و نزدیکی به خداوند خواهد بود. عفاف در رفتار در زمینه‌های مختلف و گسترده‌ای، از جمله عفت شکم، عفت کلام و... طرح می‌شود. در این مقاله، فقط به جنبه‌هایی از عفاف می‌پردازیم که در حیطه‌ی حجاب و پوشش قرار دارد.

در آغاز واژه‌ی عفاف را تعریف کرده و سپس با توجه به آیات و روایات به توضیح عفاف در گفتار و نگاه و شهوت و پوشش و کردار پرداخته و تبیین می‌کنیم که زنان در برابر نامحرم باید از هرگونه خودنمایی و رفتار و کردار و سخن و حرکات جلوه‌گرانه که به دور از شأن زنانه است و موجب تحریک مردان می‌گردد، خودداری نمایند و عفت پیشه کنند.

عفاف در رفتار

دین مبین اسلام، به عنوان آیین جامع و کامل خداوند متعال، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن و در جهت حفظ عفت عمومی، دستورهای حکیمانه‌ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است. «البته عفاف مخصوص زنان نیست و مردان نیز باید عقیف باشند و لیکن چون مردان به دلیل داشتن قدرت جسمانی و برتری جسمانی این توانایی را دارند که به زن ظلم کنند و بر خلاف میل او رفتار نمایند، از این رو اسلام بر روی عفت زن تاکید بیشتری نموده است»^۱.



قرآن یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را، عفاف و پاکدامنی می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُجُوبِهِمْ حَافِظُونَ﴾ «آنان [مؤمنان] کسانى هستند که دامان خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند».^۱

در فضیلت عفاف روایات بسیاری آمده از جمله:

«افضل العبادۃ العفاف.»؛ برترین عبادت، عفت است.^۲

«العفة رأس کلّ خیر.»؛ عفت در رأس همه‌ی خوبی‌ها است.^۳

«العفة افضل الفتوة.»؛ عفت، برترین جوانمردی است.^۴

«العفة افضل شیمه.»؛ عفت برترین خصلت است.^۵

«العفاف یصون النفس وینزهها عن الدنيا.»؛ عفت نفس را مصون و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد.^۶

«العفاف زهاده.»؛ عفت پارسایی است.^۷

با دقت در آیات و روایات در می‌یابیم عفت به معنی مناعت و آن حالت نفسانی است که [انسان را] از غلبه‌ی شهوت بازدارد.^۸ و هم چنین به معنی پارسایی و پرهیزکاری و بازداشتن از حرام است.^۹

۲- مومنون / ۵.

۳- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۸، ح ۱۳۱۱۶

۴- همان، ح ۱۳۱۲۰

۵- همان، ح ۱۳۱۲۱

۶- همان، ح ۱۳۱۲۲

۷- همان، ح ۱۳۱۲۳

۸- همان، ح ۱۳۱۲۴

۱- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن ج ۵، ص ۱۹۰

۲- سیاح احمد، مترجم فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، ج ۲، ص ۱۳۰۵



به طور کلی، عفت را می‌توان یک صفت انسانی و ملکه‌ی نفسانی و زینت باطنی دانست که موجب می‌شود تمام اعمال و حرکات و گفتار و پوشش انسان، عقیقانه و فاقد رذیلت‌های شهوانی و هوس‌مآبانه باشد.^۱

عفاف از یک سو به عنوان یک مساله‌ی اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح است و از سوی دیگر، رابطه‌ی تنگاتنگی با آن دارد؛ چرا که به عنوان یک خصلت و ارزش اختیاری، پوشش را به ارمان می‌آورد به طور کلی، می‌توان حجاب را میوه و ثمره‌ی عفاف دانست.

گفتنی است، شرم، حیا و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، یک تدبیر نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می‌سازد به طور ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم ببوشاند. به عبارت دیگر، گرایش زن به حفظ عفت خویش، از احساس فطری و الهام غریزی وی نشأت می‌گیرد.

از این رو، قرآن کریم که کتاب انسان‌شناسی و روانشناسی است و مطابق با فطرت آدمی، نیازهای او را تشریح می‌کند، جلوه‌های عفاف زنان را این‌گونه بیان می‌فرماید:

۱. عفت در گفتار

در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی احزاب درباره‌ی وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم می‌فرماید:



﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ ۖ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾؛

«پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید».

خضوع در اینجا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا مردان بیمار دل را دچار ریه و خیال‌های شیطانی کنند و شهوت آنها را برانگیزانند منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می‌دارد.

و (قولاً معروفاً) یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد.^۱

این آیه اشاره به کیفیت و محتوای سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشوه دارد و صحبت کردن با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد. همچنین بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیر ضروری و شهوت‌انگیز تأکید دارد و متذکر می‌گردد در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه‌های زنانه و سخنان هوس‌آلود، افرادی که از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی - که در اثر ضعف یا فقدان ایمان می‌باشد - برخوردار نباشند به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند.



۱ - طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۱.

۲ - جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۴۳۶.



۲. عفاف در نگاه

در آیه ی ۳۱ سوره ی نور که به سوره ی عَفَّت و پاکدامنی و حجاب معروف است،^۱ به چندین رفتار عقیفانه اشاره می کند که یکی از آنها وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾؛ «به زنان مومن بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند». ^۲ همچنین در آیه ی دیگری می فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾؛ «به مردان مؤمن بگو از بعضی نگاه های خود (نگاه های غیرمجاز) چشم پوشی کنند». ^۳ در شأن نزول این آیات آمده: جوانی در بین راه، زنی را می بیند و به او چشم می دوزد و به دنبال او به راه می افتد. طوری غرق نگاه بوده که صورتش به دیوار برخورد می کند و مجروح می شود، نزد رسول خدا ﷺ می رود و ماجرای خود را نقل می کند و این آیات نازل می گردد. ^۴

«یغضض» از ماده ی ((غضّ)) به معنای کاهش و کم کردن نگاه است. ^۵ و منظور چشم پوشی از نگاه های حرام و غیر ضروری و شهوت آلود است. در لزوم عَفَّت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد، فرقی نیست. ^۶ بدین ترتیب همان گونه که چشم چرانی بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است. ^۷ حضرت رسول ﷺ می فرماید: «از

۱ - مکارم شیرازی ، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه ، ج ۳ ، ص ۲۸۹.

۲- نور، ۳۱.

۳- نور، ۳۰.

۴- قرآنی، محسن ، تفسیر نور ، ج ۸ ، ص ۱۷۳.

۵- قاموس قرآن ، همان ، ج ۵ ، ص ۱۰۵.

۱- تفسیر نور ، همان ، ص ۱۷۶.

۲- تفسیر نمونه ، همان .

نگاه‌های زیادی پرهیزید؛ زیرا تخم هوس می‌پراکند و غفلت می‌زاید.^۱

همچنین حضرت عیسی ♦ می‌فرماید:

«از نگاه به نامحرم پرهیزید که بذر شهوت را بر دل می‌نشانند و

همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است.»^۲

از این رو، کنترل چشم می‌تواند از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول

عفاف باشد که باید در مرتبه‌ی اولی رعایت گردد؛ چرا که چشم دروازه‌ی

قلب و روح است و هر چه دیده بیند دل کند یاد.

امام علی ♦ می‌فرماید: «العین رائد القلب»؛ چشم، دل را به دنبال خود

می‌کشد.^۳

بدین ترتیب، کمترین کوتاهی در چشم پوشی از نگاه به نامحرم، تیری

مسموم از سوی شیطان است.^۴ قلب که عقل انسان را نشانه گرفته و دل و

فکر او را مشغول و به دنبال آن غریزه را مشتعل می‌کند و از آن پس فتنه

ها به دنبال می‌آورد، که گاه جبران ناپذیر است.

به گفته‌ی شاعر:

این نظر از دور چون تیر است و سم عشقت افزون می‌شود صبر تو کم

کسی که عفت چشم پیشه کند و نگاه حرام را دنبال نکند، فکرش

فراغت و دلش آرامش می‌یابد^۵ و اوصافش نیکو گشته^۶ و در نتیجه

۳- میزان الحکمة همان، ج ۱۳، ح ۲۰۲۴۵.

۴- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۴.

۵- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۴.

۶- النظرة سهم مسموم من سهام ابليس [میزان الحکمة، همان، ج ۱۳، ح ۲۰۲۸۵].

۱- امام علی ♦ «من غض طرفه أراح قلبه»، کسی که چشم خود را پایین اندازد دلش را آسوده گرداند/میزان

الحکمة، همان، ح ۲۰۲۶۱.





خداوند شیرینی ایمان و عبادت را به او می‌چشانند^۲ و به ازای فرو بستن چشم از حرام، قدرت مشاهده‌ی شگفتی‌های عالم و عظمت الهی را می‌یابد.^۳

۳. عفت در شهوت

در ادامه‌ی آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور می‌فرماید: ﴿وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾؛ «[به زنان با ایمان بگو] دامن‌های خود را حفظ نمایند».

«فروج» جمع فرج، به معنای شکاف میان دو چیز است که با آن از عورت کنایه آورده‌اند.^۴

مراد از «حفظ فروج» در این آیه و آیه‌ی ۳۰ همین سوره، به خاطر قرین شدن با «یغضضن» و «یغضوا»، پوشاندن آن از نامحرمان است، نه حفظ آن از زنا و لواط.^۵

در ذیل آیه می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾؛ یعنی این امر باعث تزکیه و شکوفایی استعدادها و رشد شخصیتی و معنوی آنها می‌شود. در

۲- امام علی ♦ «من عفت أطرفه حسنت أوصافه». هر که نگاه‌هایش پاک باشد، اوصافش نیکو شود./ میزان الحکمة، همان، ح، ۲۰۲۶۱.

۳- رسول اکرم ﷺ: «النظر سهم مسموم من سهام ابليس، فمن تركها خوفاً من الله أعطاه الله ايماناً يجده حلاوته في قلبه» نگاه کردن یکی از تیرهای زهر آلود ابلیس است. پس هر که از ترس خدا چشم خود را (از نامحرم) فروبندد خداوند به او ایمانی عطا فرماید که حلاوت آن را در دلش بیابد / میزان الحکمة، همان، ح، ۶۳۲۳.

۴- رسول اکرم ﷺ: «غضوا بصرکم ترون العجائب» چشمان خود را (از حرام) فرو بندید تا شگفتی‌ها ببینید / میزان الحکمة، ح، ۲۰۲۶۲.

۵- تفسیر میزان، همان، ص ۱۵۵.

۱- همان، با اندکی تغییر در عبارت.

۲- نور ۳۰.

روایت نیز آمده «النزاهة آية العفة»^۱ و «بالعفاف تزكوا الاعمال»^۲. دوری از آلودگی‌ها نشانه‌ی پاکدامنی است. به وسیله‌ی عفت اعمال پاکیزه و مطهر می‌گردد و در نتیجه انسان رشد می‌یابد، و در غیر این صورت، چشم چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان خواهد گردید.^۳

همچنین قرآن در مورد کسانی که امکان برای ازدواج نمی‌یابند می‌فرماید: ﴿وَلَيْسَتَعَفِيفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۴ «و کسانی که وسیله‌ی نکاح ندارند به عفت سر کنند تا خدا از کرم خویش از این بابت بی‌نیازشان کند».^۵ در این باره حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «هر که پاکدامنی و مناعت جوید، خداوند او را پاکدامن و با مناعت گرداند، و هر که بی‌نیازی طلبد، خداوند بی‌نیازش گرداند». بنابراین، قدرت نیافتن برای ازدواج و دسترسی نداشتن به همسر، مجوزی برای گناه کردن و فراهم کردن آن از راه نامشروع نیست بلکه صبر و عفت لازم است تا خداوند نیز از فضل خود بی‌نیازشان گرداند».^۷

۴. عفت در پوشش

۳- میزان الحکمة، همان، ح. ۱۳۱۶۱

۴- همان، ح. ۱۳۱۶۲

۵- تفسیر نور، همان، ص ۱۷۴.

۶- نور ۳۳.

۷- تفسیر المیزان، همان، ص ۱۵۲.

۸- «ومن يستعفف يعفه الله، ومن يستغن يغنه الله.»؛ هر که پاکدامنی و مناعت جوید، خداوند او را پاکدامن و با مناعت گرداند و هر که بی‌نیازی طلبد خداوند بی‌نیازش گرداند. [میزان الحکمة، ج ۸، ح ۱۳۱۳۹].

۱- تفسیر نور، همان، ج ۸، ص ۱۸۱، با اندکی تغییر در عبارت.





مسأله‌ی حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت‌های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم به دنبال آیه‌ی مذکور، و در چند جای دیگر قرآن به این موضوع با تعابیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بدحجابی و بی‌حجابی و خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است.

در ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾^۱ زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه‌ها و زینت‌های - ظاهری و باطنی - خود را آشکار سازند، مگر آن مقدار که طبیعتاً نمایان است.

کلمه‌ی «ابداء» به معنای اظهار و آشکار کردن است و مراد از زینت زنان محل و موضع زینت است؛ چرا که آشکار کردن خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست، بلکه منظور محل زینت است. اما آنچه از زینت‌های ظاهری، پوشاندنش استثنا شده، صورت و دو کف دست و قدم‌ها است.^۲ بنابراین، مقتضای آیه نهی از خودنمایی و آشکار نمودن زینت‌های شهوت‌انگیز و جلوه‌نمایی اندام‌های نهان زنان است. در ﴿وَلِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾^۳ توصیه می‌فرماید: «زنان باید سرپوش‌ها و روسری‌های خود را بر گردن انداخته و حایل قرار دهند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنها نیز پوشیده شود)».^۳

۲- نور / ۳۱.

۳- تفسیر المیزان، همان، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۱- نور / ۳۱.

«خمر» جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می پوشانند. و «جیوب» جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است.^۱

بنابر نقل تواریخ، رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس‌هایی می پوشیدند که یقه‌ی پیراهن و گریبان هایشان باز بود و دور گردن و سینه را نمی پوشانید. روسری‌هایی هم که روی سر خود می انداختند از پشت سر می انداختند (همانطوری که هم اکنون بین مردان عرب متداول است) به طوری که گوش‌ها و بنا گوش‌ها و گوشواره‌ها و جلوی سینه و گردن آنها نمایان می گشت.

لذا این آیه نازل شد که باید پوشش‌ها و روسری‌ها خود را از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیفکنند تا قسمت‌های یاد شده پوشیده گردد. به تعبیر ابن عباس، صحابی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تفسیر آیه، این گونه است: «تغلی شعرها و صدرها و ترائبها و سوافها»؛ یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند.^۲ این آیه، با اشاره به کیفیت پوشش و حجاب زنان روشن می‌سازد که آنان باید تمام اندام و سر و سینه و گردن و موهای خود را در برابر نامحرم بپوشانند و در پوشاندن خویش نهایت عفاف را رعایت کنند.

آیه‌ی دیگری درباره‌ی عفت در پوشش وارد شده آیه ۵۹ سوره‌ی احزاب است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو



۲- قاموس قرآن، همان، ج ۲، ص ۲۹۹.

۳- مطهری مرتضی، مسأله‌ی حجاب، ص ۱۳۹.

جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است، و خداوند همواره آمرزنده‌ی رحیم است.^۱

سبب نزول این آیه آن بود که شب هنگام که زنان مسلمان به قصد رفتن به مسجد و شرکت در نماز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از خانه بیرون می‌رفتند، جوانان سر راه آنان می‌نشستند و با سخنان ناروا متعرض آنان می‌گشتند.

«جلایب» جمع جلباب، به معنای لباسی است سرتاسری که تمام بدن را بپوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر شود. این پوشش باید به گونه‌ای باشد که زیر گلو و سینه‌ها را محفوظ بدارد.^۲

مراد از ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَالَا يُؤْذَيْنَ﴾ «این است که بپوشاندن بدن به صورت کامل به عفاف و حرمت و حریت شناخته می‌شوند و مورد تعرض افراد مریض و مغرض و هوسران قرار نمی‌گیرند.

احتمال دیگری که در معنای این جمله داده شده این است که وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرأت نمی‌کنند متعرض آنها شوند.^۳

از آنچه گفته شد، روشن می‌گردد که منظور از «جلباب» پوششی وسیع تر از خمار است که همان چادر و حداقل، شیه چادر - مقنعه‌ی بلند و چادر کوتاه - می‌باشد.



۱- احزاب/ ۵۹.

۲- تفسیر المیزان، همان، ج ۱۶، صص ۵۰۹ و ۵۱۰.

۳- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، همان، ص ۱۶۲.

بنابراین، حجاب برتر، حجابی است که تمام اندام زن و برآمدگی‌های سینه و جاذبه‌های بدن وی، به جز گردی صورت و کف دو دست و دو پا، را مستور سازد. شاید بتوان بارزترین پوششی که تمام این خصوصیات را شامل شود چادر دانست.

این پوشش در نظر اسلام به خاطر مصلحت‌هایی در نظر گرفته شده که به سود زنان است. براین اساس، عفاف و پوشش کامل و حجاب عقیفانه زن مؤمن، تجسم حرمت و احترام و بهترین سلاح اوست تا افراد بوالهوس و مریض به فکر تعرض و اذیت نیفتند و هرگز کسی به خود اجازه‌ی فکر باطل ندهد. پس حجاب و پوشش دینی محدودیت و بند و حصار نیست، بلکه موجب مصونیت و حرمت زن است.

حضرت زهرا (س) بانوی بزرگواری که مظهر کمالات الهی و برترین اسوه‌ی انسان‌ها به ویژه زنان می‌باشند، از نظر عفاف و حجاب الگوی بی‌نظیری هستند که با دقت نظر در سیره و زندگانی آن حضرت به اوج عظمت ایشان در همه‌ی عرصه‌ها، به ویژه حیا و عفت و حجاب، می‌توان پی برد.

ایشان همان کسی است که زن نیکو و شایسته را زنی می‌داند که مردی را نبیند و مردی او را نبیند.^۱ و شرم و حیا و عفت آن حضرت به قدری بوده که حتی در حضور مرد نابینا خود را محفوظ داشت.^۲ آن تجسم حیا

۱- آن‌لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال [بحارالانوار، ج، ۱۰۳] ص ۲۳۸، به نقل از زن در آئینه جلال و جمال، همان، ۴۳۸.

۲- امیر المومنین علی **♦** می‌فرماید: روزی حضرت زهرا در محضر رسول خدا نشسته بود که مرد نابینایی اجازه‌ی ورود خواست، پیامبر مشاهده فرمود که حضرت زهرا (س) بر خاست فرمود: دخترم این مرد نابیناست. پاسخ داد: «ان لم یکن یرانی فانی اراه و هو یشم الریح» اگر او من را نمی‌بیند، من او را می‌نگرم اگر چه او نمی‌بیند اما بوی زن را استشمام می‌کند! [رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می‌دهم که تو





و عفت، تا ضرورتی نبود، به میان جامعه نمی آمدند، اما در مواقع حساس و ضروری، در اجتماع حضور می یافتند و در مسایل سیاسی و اجتماعی شرکت می کردند؛ به ویژه در مسأله‌ی ولایت امیرالمومنین و به یغما رفتن فدک، در مجامع عمومی به مناظره می نشستند و از حق خویش دفاع می کردند و در عین حال هرگز از پرده عفاف و حجاب بیرون نمی رفتند.

در این رابطه نقل می کنند هنگامی که برای حضرت ثابت شد فدک غصب گردیده در حالی که لباس های بلندی که تمام بدن ایشان را پوشانده بود، وارد مسجد شدند و در جایگاهی قرار گرفته که پرده ای بین زنان و مردان حایل بوده و مردان، حضرت را نمی دیدند.^۱ این نشان می دهد حضرت حتی در میدان مبارزه نیز به عفاف و حجاب اسلامی بسیار مقید بوده اند.

همچنین خشنودی حضرت فاطمه (س) از محول شدن انجام کارهای خانه و معاف شدن از کار در بیرون از منزل در تقسیم کار توسط حضرت رسول ﷺ^۲ به اوج عفت و حیای ایشان و خودداری از اختلاط با مردان اشاره دارد.

پاره‌ی تن من هستی». [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۱، به نقل از فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهرا محمد دشتی، ص ۷۳].

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، صص ۲۱۱ و ۲۴۹ به نقل از بابا زاده علی اکبر تحلیل سیره فاطمه الزهرا، ص ۱۵۴.

۱- رسول خدا ﷺ در زمینه‌ی تقسیم کار این گونه داوری کردند: فاطمه (س) را مأمور به انجام امور داخل خانه نمود و علی را نیز به امور خارج از خانه مأمور ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق العاده خوشحال شد و چنین اظهار داشت: جز خداوند نمی داند که من از چنین تقسیم کار چقدر خوشحال شدم زیرا پدرم رسول خدا مرا از گریبانگیر شدن با مردان معاف داشته است. [وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳ به نقل از تحلیل سیره‌ی حضرت زهرا، همان، ص ۱۵۳].

آن حضرت، به حدّی به امر حجاب و عفت اهمیت می‌دادند که حتی در بستر مرگ از کیفیت حمل جنازه‌ی خود نگران بودند و به پوشیده بودن و محفوظ بودن بدن خویش از دید نامحرم در هنگام حمل جنازه سفارش کردند.^۱

چنین بانوی با عظمت و بی‌نظیری رابه حق می‌توان با شخصیت‌ترین، اجتماعی‌ترین و در عین حال عفیف‌ترین انسان‌ها دانست که باید ایشان را سرمشق خویش در تمام راه و رسم زندگی قرارداد.

در ادامه‌ی آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ...﴾؛ «زنان نباید جاذبه‌ها و زینت‌های خود را جز برای شوهران خود و محارم سببی و نسبی آشکار سازند».

در این کلام الهی باز هم صحبت از حجاب و حرمت خود آرای و خود نمایی و نمایان کردن زینت‌های پنهان نزد نامحرمان است؛ مگر موارد مذکور در آیه (تحت شرایطی که برای هر یک ذکر می‌کند) و برای شوهر دین اسلام حیا و عفت زن را در برابر شوهر مذموم شمرده و فرماید: زن خوب زنی است که در خلوت با شوهرش حیا را از تنش خارج کند و سپس در شرایط عادی حیا را نیز مانند لباس به اندامش بپوشاند.^۲



۲- روزی حضرت زهرا(س) در بستر بیماری به اَسْمَاء بنت عمیس فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه‌ی زن را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند، که حجم بدن مشخص می‌گردد. برابر روی تابوت آنچنانی مگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تورا از آتش جهنم باز دارد [کشف الغمّه ج ۲، ص ۶۷ به نقل از: فرهنگ سخنان حضرت زهرا، ص ۷۵].

۱- «خير النساء التي اذا خلت مع زوجها فخلعت الدرع خلعت معه الحياء و اذالبت الدرع لبست معه الحياء» [وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۶، ح ۱۰].

بدین ترتیب عفت و حیا در برابر شوهر تقبیح و در برابر نامحرم تأکید شده است. این مسأله حکایت از حکیمانه بودن دین مبین اسلام در راستای استواری نظام خانواده دارد.

۵. عفت در کردار

وظیفه‌ی دیگر زنان پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه کننده و غیر عقیفانه است:

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾، «هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت‌های پنهان نشان دانسته شود،^۱ و صدای زیورآلاتشان از قبیل خلخال و دستبند و گوشواره به صدا در نیاید».^۲

پس هر گونه راه رفتنی که موجب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود از نظر اسلام ممنوع است.^۳ و زنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از امور جلب توجه کننده دقت لازم را بنمایند و اعمال و رفتارشان و استفاده آنان از وسایل زینتی و استعمال عطر و بوی خوش به گونه‌ای نباشد که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دل‌ها گردد.

در آیه‌ی دیگری که مربوط به حرمت خود آرایشی و خود نمایی می‌باشد و این عمل زشت را جاهلانه و همچون جاهلیت قدیم قبل از اسلام می‌شمارد، می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

۲- نور / ۳۱.

۳- تفسیر المیزان، ص ۱۸۷، ذیل آیه.

۱- نور / ص ۱۷۷.



الأولى»؛ «و... [ای همسران پیامبر] در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید و...»^۱

« تبرج » به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان طور که برج قلعه در برابر دیدگان مردم ظاهر است. مقصود از «جاهلیت اولی» جاهلیت قبل از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در آن عصر، وضعیت پوشش زنان، عقیفانه نبوده است.

آیه خطاب به زنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، اما طبق نظر مفسرین عمومیت دارد و شامل همه ی زنان می شود.

بر اساس این آیه، خود آرایی و خود نمایی زنان - که ویژگی فطری و مشترک میان زنان است - در برابر نامحرم عمل جاهلانه ای است که زنان عصر جاهلیت به آن گرفتار بودند و زنان مسلمان نباید زیر بار چنین ننگی بروند، بلکه باید این غریزه ی طبیعی را در پرتو ایمان و عفت، کنترل و تعدیل و در جهت مثبت آن (در برابر شوهر) به کار گیرند.

آن چه از مفاد آیه در مورد جاهلیت نخستین آمده نشان از آن دارد که جاهلیت دیگری همانند جاهلیت قبل از اسلام در پیش است که شاید بتوان آن را با عصر و زمان حاضر منطبق دانست.

در تفسیر قمی روایتی از امام صادق ع آمده که بعد از جاهلیت اول، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد^۲ که حاکی از همین جاهلیت مدرن عصر جدید است که مع آلاسف مظاهر آن را در جوامع اسلامی نیز می توان دید.



۲- احزاب/ ۳۳.

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۷۳، به نقل: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳.

از این رو، زنان باید از هرگونه رفتار جلوه‌گرانه و تحریک‌کننده پرهیز کنند و با تأسی از آیه‌ی ﴿تَمَشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾^۱ که شیوه‌ی راه رفتن زنان اسلامی را ترسیم می‌کند و با اقتدا کردن به بانوی دو عالم فاطمه‌ی زهرا (س)، به شیوه‌ی آن حضرت عمل نمایند.

نتیجه

در روایت آمده: «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود اجرش بزرگ‌تر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت ورزد. انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود».^۲

این روایت نشان از اهمیت عفاف و بلند مرتبه بودن فرد عقیف و پاکدامن دارد. این مهم بی‌جهت نیست؛ چرا که ثمره و میوه‌ی پاکدامنی را صیانت^۳ عنوان کرده‌اند و کسی که مصونیت یافت مسلماً بار گناهانش سبک و منزلتش نزد خدا بالا می‌رود.^۴

با دقت در آیات و روایات عفاف در می‌یابیم که زن مسلمان باید همواره سرمایه‌ی عفت و حیای خویش را که خداوند فطرتاً در نهاد وی قرار داده حفظ نماید و تمامی اعمال، رفتار، حرکات و سخنان، نگاه‌ها و پوشش‌های او شیوه‌ی عقیفانه داشته و به دور از هرگونه خودنمایی و

۲- قصص / ۲۵.

۳- امام علی ﴿ما المجاهد الشهيد في سبيل الله بأعظم أجراً ممن قدر فعف، كاد العقیف أن يكون ملكاً من الملائكة﴾ (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴).

۱- امام علی ﴿ثمره العفة الصيانة﴾ (میزان الحکمة، ح ۱۳۱۵۷).

۲- امام علی ﴿من عَفَّ خَفَّ ووزره، و عظم عندالله قدره﴾ (همان، ح ۱۳۱۵۸).



جلوه‌گری و حرکت تحریک‌آمیز باشد و روابط او با نامحرم در کمال احتیاط و در حدّ ضرورت و در چارچوب دین صورت گیرد.

همه‌ی این موازین ناشی از نظام حکیمانه‌ی خداوند است و جز برای مصلحت و منفعت زن و خانواده و اجتماع بشر وضع نگردیده است.

به طور یقین، با رعایت عفاف و حجاب آثار و برکاتی از جمله بالا رفتن ارزش و احترام زن، آرامش روانی، پابندی به خانواده و استحکام اجتماع به بار می‌نشیند.

در این راستا، باید با نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه در جهت اعتلای آن تلاش نمود و کوشش کرد کسانی که از این امر غافل گشته‌اند، گم‌شده‌ی فطرت خویش را به دست آورند و جان خموش و شخصیت منکوب خویش را بیدار و زنده گردانند و هویت و اصل خویش را باز یابند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: آیه الله مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴.
۴. طباطبایی، محمد حسین، برگزیده تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۵ و ۱۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۵. علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی، ج ۳، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۶. حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکم
۸. ۵، ترجمه: حمید رضا شیخی، ج ۳ و ۸ و ۱۱ و ۱۳، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۱ ش.
۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، [ترجمه المنجد]، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات اسلام، بی تا.
۱۱. بانکی پور فرد، امیر حسین، آئینه زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، قم: دفتر نشر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (س)، تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.



۱۴. بابازاده، علی اکبر، تحلیل سیره فاطمه زهرا (س)، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء ۱۳۷۸ ش.
۱۶. کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت زن، قم: انتشارات پارسیان، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، زهرا (س) برترین بانوی جهان، قم: انتشارات سرور، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. اکبری، محمد رضا، تحلیلی نو و علمی از حجاب در عصر حاضر، انتشارات شهید حسین فهمیده، ۱۳۷۶ ش.

